

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۲۳

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات آقای رئیس راجع به تعویق جلسه
- ۳ - سؤال آقایان : نراقی و ایرج اسکندری از آقای وزیر پیشه و هنر و پاسخ ایشان
- ۴ - سؤال آقایان : اردلان - نبوی و عماد تربتی از آقای وزیر کشاورزی و پاسخ ایشان
- ۵ - تصویب نمایندگی آقای حشمتی
- ۶ - شور گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع به کتیبه های استان قدس
- ۷ - قرائت گزارش کمیسیون دادگستری راجع به طرح پیشنهادی اصلاح پاره از قوانین
- ۸ - موقع دستور جلسه آتیه - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر بریاست آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۱ خرداد ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت جلسه نظری نیست؟ آقای ذوالفقاری
ذوالفقاری - بنده را جزو دیر آمدگان نوشته اند گویا اشتباه شده است دستور بفرمائید اصلاح شود
رئیس - اصلاح میشود مخالف دیگری نیست نسبت بصورت جلسه؟ (اظهار شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.
[۲ - بیانات آقای رئیس راجع به تعویق جلسه]
برای استحضار خاطر آقایان باید عرض کنم که تشکیل

نشدن جلسه در این هفته بواسطه این بوده که لوایح و طرحها از کمیسیون برنگشته بود و چیزهای مهمی که کافی باشد برای جلسه در دستور نداشتیم آقایانیکه در دوره های سابق بودند میدانند که این نوع پیش آمدها در دوره های سابق هم بوده است علت آن این است که با این تشکیلاتی که داریم قبل از وقت لوایح قانونی را حاضر نمیکند و بچریان نمیافند و بایستی لوایح در کمیسیون ها جریان خودش را

عین مذاکرات مشروح سی و پنجمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره ثبت نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : فداکار - قبادیان - دکتر راد منشر - سامان
غائبین بی اجازه - آقایان : خلیل دشتی - ملک مدنی - گبو - کفائی - آصف - تیمور تاش - تهرانچی - سید محمد طباطبائی
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : ذوالفقاری - جواد مسعودی - خلعت بری

طی کند و به مجلس بیاید و قتیکه دوره تقنینیه باز میشود مجلس بکارهای داخلی می پردازد و مجلس که تشکیل میشود دولت را تشکیل میدهد و بعد مراجعه میکند بوزارتخانه ها که به بینند چه احتیاجاتی دارند که کمیسیونهای تشکیل دهند در این موقع طرحهای متعدد از طرف آقایان نمایندگان داده شده که در دوره های سابق کمتر بوده معذالک چون این لوايح اوایل کار کمیسیونها نرسیده البته طول میکشد بعضی لوايح هست که بکمیسیون مبتکران رفته و بعضیها به کمیسیون دادگستری رفته و این است که هنوز بر نگشته و امیدواری است که برای جلسه یکشنبه اکثر آنها حاضر شود بنابراین تعویق جلسه برای این علت بوده است و با این مقدمه بدیهی است که برای دو ماهه اول مجلس کمتر لوايح قانونی خواهیم داشت ولی البته همینقدر که شروع شد آنقدر کار خواهیم داشت که مجبور بجلسات فوق العاده متوالی میشویم و این منحصر بهمین یکی دو ماهه بوده است چیز مهمی نیست و حالا هم یکمده از آقایان اجازه قبل از دستور خواسته اند چون وقت داریم مانعی ندارد میتوانند صحبت بکنند آقای طوسی چون مخالف هستند میتوانند حرف بزنند .

۳۱- سؤال آقایان نراقی و ایرج اسکندری از آقای وزیر پیشه و هنر و پاسخ ایشان |

رئیس - آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - بنده میخواستم استدعا کنم لایحه استرداد کتیبه ها که از کمیسیون گذشته جزو دستور شود .

رئیس - جزو دستور است . آقایان وزرا حاضر شده اند برای سؤالات آقایان نراقی و اسکندری . آقای نراقی سؤال خودتان را بفرمائید .

نراقی - بنده از آقای وزیر پیشه و هنر سؤالی کرده بودم نسبت به پیش آمدهای سوئی که در هنر سرای عالی شده است . محصلین در همه جا مورد احترام هستند و استادان و معلمین هم از رجال محترم کشور هستند که همه به آنها احترام میگذازند در وزارت فرهنگ دانشکده های متعدد است دبیرستانهاست همه معلمین آنها مورد احترام هستند بهیچوجه مناقشه بین استادان و دانش جویان و دانش آموزان دیده

نشده است ولی در يك مدرسه کوچکی که وزارت پیشه و هنر دارد دچار يك تشنجاتی است و این برای این است که واقعاً نه اولیای آن وزارتخانه بصیر هستند در امر مدرسه داری و نه متصدیان را که انتخاب کرده اند مهارت داشته اند اخیراً بواسطه اینکه يك نزاعی شده است بین مدیر مدرسه و رئیس شعبه برای اینکه رئیس شعبه را میخواستند يك آدم خاصی باشد بین خودشان کشمکش بوده است و این کشمکش منتهی شده است به دخالت شاگردان و در نتیجه يك شعبه بزرگی که شعبه شیمی باشد دو ماه است که تعطیل شده است و قریب شصت نفر دانش جو را رها کرده اند توی کوچه ها و یکمده را از امتحان امسال و یکمده را هم برای ابد محروم کرده اند خواستم به آقای وزیر پیشه و هنر تذکر بدهم که جنابعالی شخصاً مرد آزاده ای هستید و سوابق خوبی دارید متوجهتان بکنم که با این سوء جریانی که در داخل وزارتخانهتان هست قناعت نکنید به آن گزارشاتی که اداره مربوطه میدهند و غالباً خودشان در این قضایا شریک هستند و علاقمند هستند که این سوء تفاهات وجود داشته باشد خودتان شخصاً بمدرسه بروید تحقیق کنید و دخالت کنید هنر سرای عالی داعیه دارد برابر با دانشکده فنی است باید هم اینطور باشد اما بروید دقت کنید از حیث اخلاق و دانش هم همینطور است؟ از حیث اداره و تشکیلات رئیس آنجا را با رئیس دانشکده فنی نمیشود مقایسه کرد زیرا رئیس دانشکده فنی آقای میرزا غلامحسین خان رهنما است که یکی از بزرگترین شخصیت های فرهنگی این مملکت است معاون دانشکده فنی آقای مهندس عبدالله ریاضی است که این اشخاص حتی لیاقت شاگردی او را هم ندارند حالا بروید تحقیق کنید که اینها هم از حیث دانش و اخلاق همینطور هستند وزارت پیشه و هنر مدرسه دار نیستند و بهمین جهت آقای مهندس فریور هم پیشنهاد کرده بودند که همه آموزشگاهها منتقل شود بوزارت فرهنگ برای اینکه وزارت پیشه و هنر نمیتواند مدرسه اداره بکند و هر وزیر که روی کار بیاید میخواهد نورچشمی های خودش را سر کار بگذارد در صورتی که مطابق قانون رئیس دانشکده يك شخصیت ثابتی است و

کسی نمیتواند او را بردارد این است که بنده تقاضا میکنم که این قسمت را توجه بفرمائید و حقوق دانشجویان را محفوظ بدارید اینها همه از اهل طهران نیستند شما بروید يك مرتبه بمدرسه قنبر علی خان طهران به بینید چند صد نفر دانشجو در آنجا تحصیل میکنند و خورا کشان نان جوی سیلو است اینها و اولیایان منتظر هستند که وقتي که امتحاناتشان منقضی شد بروند اما وقتی که این نزاعها و کشمکشها بین مدرسه و وزارتخانه اتفاق بیفتد بچه هایشان سرگردان توی کوچه ها باید و یلان باشند

وزیر پیشه و هنر - در موقعی که بنده در مسافرت بودم يك اتفاقی در هنر سرای عالی رخ داده بود که باعث سؤال آقای نراقی شده است در مراجعت بنده گزارش از هنر سرا خواستم و آنها هم اکتفا به گزارش هنر سرا نکردم و اشخاص دیگری راهم مأمور این کار کردم بالاخره بطور خلاصه که میخواهم وارد جزئیات بشوم (برای اینکه بر علیه دانشجویان خواهد بود و مایل نیستم که بی جهت جوانانی را که از روی نادانی يك عملیاتی کرده اند از تحصیل باز بمانند) این بوده است چون مطابق قانون و مقررات رؤسای شعب بایستی از استادان هنر سرا انتخاب شوند حالا شاید يك اختلاف نظری مابین رئیس شعبه سابق و استادان دیگر بوده و تصور کرده اند که این رأیها برخلاف میل آن شخص خواهد بود حالا چه تشویق یا تحریک یا اقدامی سبب شده است که دانشجویان وارد اطاق رئیس مدرسه شده اند و با حضور استادان و بطور عنف و برخلاف رویه صندوق را از آنجا بیرون برده اند و اگر از این عملیات کاملاً جلوگیری نشود این رویه باعث خواهد شد که هیچ جا انتظام برقرار نشود (صحیح است) بنده در این باب نخواستم زیاد تحقیق بکنم ولی در عین حال از مسبب و محرک هم نمیتوانم بگذرم بنابراین يك کمیسیون مختلطی از استادان و رؤسای وزارت پیشه و هنر تشکیل شده است که بيك يك اظهارات دانشجویان برسد و کاملاً باین موضوع رسیدگی کند البته کسانی که وارد نبوده اند در آن روز و دخالتی در این کار نداشته اند تصدیق کنند که ایرادی بهشان

وارد نیست و کسانی که مسبب بوده اند و شرارت کرده اند البته باید از تحصیل هم محروم شوند .

رئیس - آقای اسکندری

ایرج اسکندری - قبل از این که بنده وارد اصل موضوع سؤال از آقای وزیر پیشه و هنر بشوم يك تذکرات نظامنامه دارم از لحاظ سؤال و آن این است که گمان میکنم این رویه که تا بحال در مجلس شورای ملی معمول بوده است مطابق رویه هیچ کجای دنیا نیست و در نظامنامه ما هم اینطور تصریح نشده است مطابق ماده ۵۴ نظامنامه داخلی مجلس نمایندگان میتواند در بدو و ختم مجلس از وزراء سؤال کنند و از موضوع سؤال هم باید قبلاً اطلاع بدهند و وزراء مسبوق باشند و آن روز وزیر باید جواب بدهد و اگر اینطور نبود که عیناً شبیه استیضاح است فرق استیضاح با سؤال چیست؟ سؤال معنیش اینست که يك نماینده ای جزئاً از يك مطلبی اطلاع نداشته باشد که این صحیح است یا غلط است این را بصورت سؤال ممکن است در ابتدای مجلس یا آخر مجلس یعنی قبل از دستور یا بعد از دستور از وزراء پرسد و اینکه گفته میشود که سؤال جزء دستور است اینطور نیست مطابق نظامنامه قبل از دستور یا بعد از دستور است و مانعی ندارد که يك نماینده مطلبی را که درست نمیداند سؤال کند و وزیر مسئول هم اگر اطلاع دارد فی المجلس ممکن است جواب بدهد یا اگر نتوانست فی المجلس جواب بدهد میگوید فردا جواب خواهم داد و این مطلب بنظر بنده خیلی روشن است ولی متأسفانه رویه ای که تا کنون در مجلس شورای ملی معمول بوده است سؤال راهم شبیه با استیضاح کرده است در صورتی که این عمل صحیح نیست مثلاً بنده که يك سؤالی آنروز داشتم ممکن بود همان روز از آقای وزیر پیشه و هنر پرسم و ایشان هم که تشریف داشتند ممکن بود بفرمایند صحیح است یا غلط است و مجبور نشویم که مدتی وقت مجلس در این موضوع تلف شود و اگر مطابق رویه ای که فعلاً در مجلس هست سؤال را هم مثل استیضاح بدانند لازمهاش اینست که بعد از آنکه جواب

سؤال را ایشان دادند اشخاص دیگر هم بتوانند وارد مذاکره شوند و آنوقت هم بعد رأی اعتماد بگیرند در صورتیکه اینطور نیست فقط شرط سؤال این است که قبلاً از موضوع وزیر را مسبوق کرده باشند و یک پرسشی بیشتر نیست بنابراین بنده خواستم قبلاً این موضوع را تذکر بدهم که من بعد مراعات شود و این یک چیز من در آوردی نیست در همه جای دنیا اینطور که عرض کردم معمول است بعد از این مقدمه میخواهم عرض کنم سؤالی که بنده از آقای وزیر پیشه و هنر میکنم (آیا) است که آیا این موضوع راست است یا دروغ است چون یک وقتی است که اظهار نظری که بنده میکنم اینطور است مدار کی من در دست دارم و میدانم که قضیه این جور است و میخواهم بدانم چرا این کار را کرده اند ولی قضیه که فعلاً سؤال میکنم در مقابل (آیا) است و فرق سؤال و استیضاح هم در حقیقت در همین جا است وقتی که مطلب با چرا واقع شد استیضاح است ولی وقتی جواب در مقابل آیا واقع شد سؤال است که پرسش است و حالا میپرسم آیا راست است این شهرتی که داده شده است و در جرئت هم منعکس شده است که یک شخصی که هویتش زیاد بر بنده معلوم نیست و آنچه که بنده شنیده ام مشغول داد و ستد است و از جوانی باین کار مشغول بوده است اسم او رشیدیان است البته در اطراف شخصیت او وارد نمیشوم شنیده ام که این آدم نهصد هزار متر پارچه از وزارت پیشه و هنر حواله گرفته است (و این حواله بچه عنوان بوده است نمیدانم) و آن حواله را برده است در کارخانه شاهی و کارخانه بهشهر و آن نهصد هزار متر پارچه را گرفته است این سؤال بنده است از آقای وزیر پیشه و هنر و سؤال میکنم که اولاً این قضیه راست است یا دروغ؟ و اگر این قضیه راست است مسئولش را معین کنید چون بنده اطلاع دارم که در زمان وزارت ایشان نبوده است و باید معلوم کنید که کی مسئول این امر بوده است چون در موقعی که مردم لخت و عریان هستند و در کوچه ها دارند میمیرند و برای یک متر پارچه چند نفر میمیرند آنوقت نهصد هزار متر پارچه را بدهند بیک نفر آدم و او ببرد در بازار آزاد بچندین برابر

قیمت بفروشد (فریور - دو تومان بخرد یازده تومان بفروشد) پولش را بمصرف سیاسی یا غیر سیاسی برساند این موضوع باید کاملاً درش توجه بشود و تذکر میدهم که آقای وزیر پیشه و هنر جداً این موضوع را توضیح بدهند و مسئولینش جداً باید تعقیب شوند و مجازات شوند این عرض بنده بود.

وزیر پیشه و هنر (آقای اردلان) - آقای اسکندری نماینده محترم در بدو سؤالشان راجع بموضوع سؤال از نظر نظامنامه داخلی فرمایشاتی فرمودند که جوابش با آقایان است و آن هم جوابش واضح است که سؤال یعنی پرسش و استیضاح معنیش (چرا) است یعنی وقتی یک چیزی را سؤال میکنند همان معنی پرسش است ولی وقتی میگویند چرا این کار شده است استیضاح است چون مطلب را هم خودشان فرمودند که پرسش است بنده لازم میدانم جواب عرض کنم قبل از وزارت بنده یعنی تا یکی دو ماه پیش وزارت پیشه و هنر خودش فروشنده اجناس بوده است یعنی اجناسی که از کارخانه های وزارت پیشه و هنر بدست میآمده است خود وزارت پیشه و هنر میفروخته است بعد با وزارت پیشه و هنر ترتیبی داده شده است که اجناس را با اداره کل بپخش بدهند و بوسیله اداره کل بپخش بمردم فروخته شود و همین کار را هم تا بحال کرده ایم متأسفانه باید بگوئیم که این کار درست انجام نشده است و درست تقسیم نشده است و وزارت پیشه و هنر خودش مداخله ای در فروش نمیکند (دکتر اعتبار - یعنی مسئولیت ندارد) مسئولیت در تهیه دارد و میدهد به آنجائی که مجلس شورای ملی گفته است توزیع بکنند اگر مجلس شورای ملی نگفته بود که ما نمیدادیم بموجب اختیاراتی که بر رئیس کل دارائی مجلس شورای ملی داده است رئیس کل دارائی هم توزیع و فروش را با اداره جیره بندی و اداره بپخش واگذار کرده است پس فعلاً معمول این است که ما تهیه میکنیم و میدهیم بدست آنها و آنها هم بدست مردم میدهند ولی قبل از اینکه این قرار بین وزارت دارائی و وزارت پیشه و هنر داده شود خود وزارت پیشه و هنر فروشنده این اجناس بوده است هنوز هم در بعضی قسمتها همینطور باقی

است مثلاً سیمان را خود کارخانه سیمان میفروشد (فریور - قماش هم فروخته اند) خیر حق نداشته اند بفروشند اما این که فرمودند در موقعی که ما خودمان احتیاج داریم چرا یک چیز هائی فروخته شده این را باید عرض کنم که مایک متفقینی داریم که همانطور که ما از آنها انتظار داریم که از طرف آنها یک مساعدتهائی نسبت بما بشود و کلا هائی که دارند بما بدهند رفع احتیاجات آنها هم در مواقع لازم جزء وظیفه ما است و این موضوع تنها مربوط بر رشیدیان نیست در موارد دیگری هم بمعرفی آنها بمعرفی کتبی آنها وزارت پیشه و هنر یک جنسهائی تحویل داده است و فروخته است (فریور - مدرک هم دارید؟) نوشته اند که فلان مقدار جنس لازم است و رشیدیان را نماینده خودشان معرفی کرده اند ارتش انگلیس معرفی کرده است که آقای رشیدیان نماینده ما است برای خرید فلان مقدار پارچه وزیر پیشه و هنر هم همان پیشنهاد را آورده است به هیئت وزراء و با موافقت هیئت وزراء آن پارچه را باو داده اند تنها این مساعدت درباره ارتش انگلیس نیست در مورد ارتش شوروی هم بوده است و البته آنها متفق ما هستند و کارخانجات ما که یک چیز هائی را تهیه میکنند وقتی که طرف احتیاج آنها باشد آنها میدهند منتهی بنده دردنباله همین سؤال رشیدیان را خواستم و گفتم درست است که شما معرفی شده اید ولی باید برای ما یک سندی بیاورید که این پارچه ها را عیناً با آنها تحویل داده اید بنابراین این قسمت اخیر که انجام شود دیگر اشکالی نخواهد داشت.

رئیس - آقای اسکندری توضیحی دارید؟

اسکندری - فرمایشات آقای وزیر پیشه و هنر در حقیقت دو قسمت بود یعنی ایشان بدو تصدیق کردند که این قضیه صحیح است این را بنده خیلی خوشوقت هستم که تصدیق کردند این شایعه صحیح است و معلوم شد آن مقدار مقداری قماش حواله کرده اند و این قماش که داده شده برای مصرف متفقین ما داده شده البته بنده خودم شخصاً جداً طرفدار این هستم که باید همکاری صمیمی و بحد افراط و کمال با متفقین کرد باید بحدی همکاری کرد که

اینطور معلوم شود که در این نبرد بزرگی که برای آزادی در دنیا سر گرفته ما هم واقعاً سهم و شریک هستیم اما در عین حال باید دید که ما این چیزی را که میدهیم واقعاً بمصرف متفقین ما میرسد یا یک عده ای بنام متفقین از ما کلاه برداری میکنند و اگر آقای رشیدیان این جنس را برده است و در بازار آزاد فروخته است این شخص مرتکب بزرگترین کلاه برداری شده است چرا؟ برای این که این عمل او روابط ما را با متفقین تیره میکند و سوء تفاهم ایجاد میشود فلانکس که می بیند رشیدیان باسم متفقین پارچه گرفته و در بازار آزاد به قیمت گزاف میفروشد تصور میکنند و مردم تصور میکنند که اینطور است که مردم واقعاً باید از پارچه محروم باشند و دیگران استفاده کنند در صورتیکه اینطور نیست و اگر رشیدیان این عمل را باین اسم کرده باشد بزرگترین کلاه برداری است که در روابط ما با متفقین خودمان تأثیر دارد بنا بر این باید این موضوع را در نظر گرفت و بنظر بنده این توضیح تا این اندازه که تصدیق شده است کافی است و بنده مخصوصاً از آقای وزیر پیشه و هنر تقاضا میکنم که تعقیب کنند این موضوع را اولاً وزیری که مسئول این کار بوده است کیست و اگر این اجناس در بازار فروخته شده این شخص را باید خواست و این آدمی که این خیانت را کرده است جداً تعقیب شود و باشد مجازات برسد برای این که تمام شئون اجتماعی ما و روابط ما با متفقین ما لطمه میزند این عرایض بنده است و دیگر عرضی ندارم

وزیر پیشه و هنر - بنده خوشحالم که فرمودند که باید بتمام معنی با متفقین کمک کرد و تنها حرف نباید باشد پارچه که چیزی نیست اگر افراد ما را هم خواستند باید کمک کرد و موافقت کرد انتظارانی که ما از آنها داریم آنها هم در مقابل از ما انتظاراتی دارند که بتمام معنی باید انجام بدهیم الان مادر کارخانجات خودمان اسلحه میسازیم و با آنها میدهیم و باید هم این کار را بکنیم (فریور - کسی هم ایرادی ندارد) بنا بر این موضوع

اختلاف در يك جا است که میفرمایند که این اجناس در بازار فروخته شده و بمصرف متفقین نرسیده است و بنده حاضر هستم که این موضوع را بتمام معنی تعقیب کنم و هر کس اطلاع دارد که جائی از این پارچه هائی که بنام ارتش انگلیس خرید شده است فروخته شده است آن را نشان بدهد و بنده کاملاً حاضرم تعقیب کنم و در تمام مراحل مرتکب را مورد مؤاخذة قرار میدهم .

[۴ - سؤال آقایان اردلان - نبوی و عماد تربتی از آقای وزیر کشاورزی و پاسخ آن]

رئیس - آقای اردلان سؤالی از آقای وزیر کشاورزی کرده اند بفرمائید .

اردلان - موضوع سؤال بنده از وزارت کشاورزی راجع به پنبه بود چند نفر از بازرگانان به بنده مراجعه کرده اند و راجع بانحصار پنبه شکایت کرده اند و چندی پیش هم بنده از کرمان يك کاغذی داشتم از آقای آگاه که یکی از تجار آنجا است و تقاضا کرده بود که بعرض مجلس شورای ملی برسانم که این انحصار پنبه بضرر مملکت است و خواهش کرده است که این زنجیر اسارت را از گردن این مملکت بردارند خود بنده هم بطوریکه مطالعه کردم اینطور فهمیدم که انحصار پنبه کاملاً بضرر مملکت است و این انحصار موجب شده است که محصول پنبه این اندازه تنزل کرده است از طرف دیگر بنده در گزارشی که بانك ملی ایران به مجمع عمومی داده بود دیدم که آنجا ذکر کرده بود که بانك ملی ایران تسهیلاتی قائل شده است که پنبه از مصر به مملکت ما وارد شود ما از يك طرف نسبت به محصول داخلی خودمان که باید جداً از آن حمایت کنیم و آن را چون جان شیرین دوست داشته باشیم يك تضيیقاتی قائل میشویم از آن طرف نسبت به يك محصولات مشابهی تسهیلاتی در نظر میگیریم بطوریکه محصول پنبه خارج بیاید در بازار ایران و باجنس داخلی بتواند رقابت کند و حال آنکه اگر فرض بفرمائید ما شهر اصفهان را مرکز کارخانجات داخلی قرار بدهیم و مسافت بین مازندران تا اصفهان و مسافت مصر تا اصفهان را مقایسه کنیم میبینیم که مسافت مصر تا اصفهان ده برابر بیشتر از مسافت

مازندران تا اصفهان است در صورتیکه يك حلقه لاستیک امروز چهار هزار تومان پنجهزار تومان قیمت دارد و اگر این تسهیلات در مورد پنبه خارجی بعمل نیاید و از طرف دیگر يك تضيیقاتی در مورد پنبه ایران معمول نشود کاملاً پنبه ایران رواج پیدا خواهد کرد و بطوریکه آقای تجدد نمونه اش را آوردند در مازندران نخواهد پوسید و پنبه خارجی نمیتواند با پنبه ما رقابت کند بعقیده بنده اگر بانك ملی ایران میخواهد اعتباری باز بکند خوب بود این اعتبار را برای تجار داخلی و برای محصول داخلی باز کند که پنبه را از دست اول از برزگر بخرند و بعد به دولت و به کارخانجات بفروشند نه اینکه این تسهیلات موجب شود که پنبه مصر بیاید با پنبه ایران رقابت کند این است که بنده خواستم از آقای وزیر کشاورزی استدعا کنم که اولاً نظر خودشان را راجع به انحصار پنبه بفرمایند و بعد هم بفرمایند که این آماری را که بنده در روزنامه ایران دیدم که در این سه ساله اخیر میزان محصول پنبه فوق العاده تنزل کرده است آیا صحت دارد یا ندارد و آن را جواب بفرمایند .

وزیر کشاورزی - در این موضوع يك عده دیگر از آقایان نمایندگان هم سؤالاتی کرده اند (بعضی از نمایندگان - بلند تر - بفرمائید پشت تریبون) عرض کردم راجع به موضوع سؤال آقای اردلان آقایان نمایندگان محترم دیگر ، آقای حسن نبوی ، آقای امیر تیمور آقای عماد تربتی هم سؤال کرده اند بنده خیلی میل داشتم آقایان هم سؤالات خودشان را بکنند بنده هم یکجا جواب آقایان را بدهم که وقت مجلس را زیاد نگرفته باشم (صحیح است)

رئیس - آقای نبوی .

نبوی - سؤال بنده هم راجع بود به موضوع پنبه خراسان و در تأیید فرمایشاتی که آقای اردلان فرمودند خواستم عرض کنم که طرز انحصار و رویه ای که دولت در این چند ساله برای انحصار پنبه اتخاذ کرده اسباب زحمت رعایا شده و موجب خواهد شد که محصول پنبه از بین برود

و مملکت از يك محصول و عایدی مهمی محروم و بی نصیب بماند . قبل از اینکه پنبه انحصار بشود محصول پنبه در سال متجاوز از سی هزار تن بود و فعلاً به دو هزار تن تنزل کرده است و اگر این انحصار باینصورتی که فعلاً هست باقی بماند این مقدار محصولی هم که فعلاً هست باقی نخواهد ماند (صحیح است) و اساساً کشت آن موقوف خواهد شد در سالهای قبل مقدار زیادی پنبه اضافه بر احتیاجات داخلی به خارج مملکت صادر میشد ولی حالا شنیده میشود مقداری هم پنبه از خارج وارد شده است . این وضع عمل انحصار موجب شد که علاوه بر نکت عایدات و از بین رفتن يك محصول مهم مملکت زارعین هم اذیت و عور مانده اند زیرا قبلاً پوشش زارعین عبارت بود از کرباسی که خودشان تهیه میکردند و میپوشیدند ولی در این چند ساله در اثر سخت گیری مأمورین که بعنوان انحصار هر مقدار پنبه که در خانه زارعین بود میگرفتند حتی برای آنها چند من پنبه هم نماد که بتوانند با آن چند زرع کرباسی بیافند و بیوشند از طرفی در نتیجه سوء عمل دولت و بی انصافی صاحبان کارخانه ها قیمت پارچه در بازار بقدری گران شده است که هر متر پارچه نخي را کمتر از ده تومان و دوازده تومان نمیتوان خرید با اینحال نه تنها کشاورزان بلکه اشخاص متوسط هم قادر به خرید نیستند و یقیناً کشاورزان نخواهند توانست با این قیمت ها برای خود لباسی تهیه کنند . اگر قائل شویم که مقصود از این انحصار برای این بوده است که قیمت پارچه و نخ تثبیت شود این مقصود هم انجام نشد برای اینکه دولت پنبه را با يك قیمت کمی از زارعین میخرد و به قیمت معین بکارخانها میدهند ولی هیچ ترتیبی در کار نیست که کارخانه ها محصول و پارچه خودشان را بچه قیمتی بفروشند و در فروش محصول خود آزاد هستند و هر مبلغی که دلشان بخواهد میفروشند که گاهی به صد برابر قیمت بلکه زیادتر بدست مصرف کننده میرسد و همین قضیه باعث شده است که هیچکس از کشاورزان حتی طبقه متوسط شهر نشین هم نمیتوانند بخرند . علاوه بر این معایبی که عرض کردم آقایان نمایندگان محترم

خراسان میدانند که علوفه اغنام و احشام زارعین خراسان منحصر آ پنبه دانه است در زمستان در خراسان مثل مازندران علفی نیست که اغنام و احشام از آن تغذیه کنند و زارعین خراسان منحصر آ باغنام و احشام خودشان پنبه دانه میدهند و در این چند ساله پنبه دانه هم فوق العاده گران شده است و به مصرف تهیه روغن و صابون میرسد و با این ترتیب کشاورزان نمی توانند به اغنام و احشام خودشان پنبه دانه بدهند بهمین جهت تعداد زیادی اغنام و احشام آنها تلف شده و از بین رفته است و چون پنبه دانه بمصرف تهیه صابون و روغن میرسد و گران شده است متصدیان امر پنبه و مأمورین دولت که قرار بود مقداری پنبه دانه در مقابل پنبه تحویلی بزارعین بدهند از دادن آن خودداری کرده و بنفع خودشان در خارج هر خروراری صدو بیست تومان صدو سی تومان میفروختند و بطوریکه عرض کردم نبودن پنبه دانه موجب شد که در این چند ساله اغنام و احشام زیادی تلف شد و از بین رفت . از اینها گذشته بطوریکه بنده تحقیق کردم این انحصار متضمن نفع مالی هم برای دولت نیست فقط باعث میشود که یکعده ای بنام ناظر ، مدیر ، متخصص و متبحران این کار استفاده کنند و حقوق زیادی بگیرند و در این چند ساله چند نفر تاجر هم روی این کار میلیونر شدند و در عرض چندین هزار نفر زارع و کشاورز از هستی ساقط شده و اذیت و عور مانده اند . همانطور که در مقدمه عریضم عرض کردم عقیده بنده این است که باید دولت این انحصار را از بین ببرد و باین وضعیت فجیع خاتمه بدهد این مقدمه سؤال بنده بود اما نسبت به موضوع سؤال : سال گذشته در خراسان دولت اجازه خرید و اجازه انحصار پنبه و توزیع پنبه را به تجارتخانه درودی داد بنده در این قسمت وارد نمیشوم که کار خوب بوده است یا بد بوده است و چه مقدماتی داشت و مبلغی هم بآن تجارتخانه پول داده است که پنبه را از زارعین بخرد و پول آنرا بزارعین بدهد آن تجارتخانه هم شروع بعمل کرد و از همه جای خراسان هم پنبه را زارعین آوردند و تسلیم کردند ولی در مقابل پول پنبه بآن زارعین داده نشد .

(امینی - آقای نبوی بلندتر بفرمائید ما نمیشنویم) عرض کردم با اینکه زارعین پنبه را آوردند و تسلیم کردند تا امروز پول بانها داده نشده و آقایان مسبقاً که زارعین از طرق متعدد عایدی ندارند که اگر پول محصول آنها رسید بتوانند از راه دیگری زندگی کنند بکنند بکنند زارع که مقدار کمی پنبه تحویل داده است برای سی تومان، پنجاه تومان پول از ده بیست فرسخی باید چندین مرتبه بیاید به شهر و بان تجارخانه مراجعه کند و آن تجارخانه هم میگوید دولت هنوز پول پنبه را نداده است که من بدهم در نیشابور تنها در حدود یک میلیون تومان، نهصد هزار تومان پول پنبه طلبکار هستند و تمام ثروت نیشابور را میشود گفت همین است و این پول باید در بازار بخرید و از این راه کسب و زراعت آنها براه بیفتد همینطور در سبزوار و تربت که همه روزه تلگرافاتی در این باب از آنها میرسد و فعلاً از آقای وزیر کشاورزی استدعا میکنم که بفرمایند علت چیست که پول این پنبه ها را نداده اند و آیا بنا است داده شود و بچه طرزی بآنها خواهند پرداخت که مطلب معلوم شود (اردلان - به مصر حواله شده)

رئیس - آقای عماد تربتی.

عماد تربتی - اصول موضوع راجع به پنبه را آقایان بعرض مجلس شورای ملی رسانند و آقایان وزراء هم استماع فرمودند سؤال بنده در این زمینه بود که چرا با اینکه مدتهاست از موقع تحویل پنبه میگذرد و کشاورزان پنبه را تحویل داده اند تا کنون پول بانها داده نشده است بنده خواستم در این مورد يك تذکراتی بدهم که همانطور که دولت ما به بسیاری از مشکلات توجه نمیکنند بامور اقتصادی کشور مطلقاً توجهی نمیشود علاوه بر آنکه توجهی نمیشود اقداماتی هم میشود که بکلی اوضاع اقتصادی ما بهم میخورند و صادرات ما از بین خواهد رفت در صورتیکه باید به محصولات داخلی توجه بیشتری بشود بزارعین باید مساعده داده شود و همه گونه باید مساعده های مادی و معنوی بعمل آید که بتوانند در آتیه کشت بیشتری بکنند

که مخصوصاً دارند مانع هستند که رسیدگی دقیقی در کار آنها بشود. همین پنبه های که در حدود تنی یک هزار تومان خریدند میشود از تنی ۲۰ هزار تومان تا ۱۵ هزار تومان بفروش میرود یعنی اگر پارچه شد تنی ۴۰ هزار تومان و اگر جوراب شد تنی ۵۰ هزار تومان بفروش میرود این چرا اینطور است که همیشه پنبه زارعین را بگیرند با يك نرخ ثابت و ارزان و پول هم ندهند و مساعده هم ندهند و تقدیم کنند بصاحبان کارخانه این مثل همان است که ملا نصرالدین زری پیدا کرد و برد پیش خلیفه هرون الرشید و باو گفتند که چرا بخلیفه دادی؟ گفت که خدا دانسته است که تمام زرها را نصیب خلیفه کرده است من هم میروم و باو میدهم. حالا کار ما هم همینطور است واقعاً معامله دولت ها هم مثل عمل ملا نصرالدین شده است میگویند که خدا خواسته است که به صاحبان کارخانه ها بدهد و ما هم باید این کار را بکنیم و از زارعین با يك ترتیبی با يك قیمت نازلی بگیریم و بصاحبان کارخانجات و سرمایه داران بدهیم و آنها هم آزاد باشند بهر قیمتی که بخواهند بفروشند و با اینکه اگر دولت بخواهد دخالت در این کار بکند عوض اینکه يك طرف را که واجب الرعايه است محدود بکند هر دو طرف را محدود میکند در موقعی که از طرف دولت اعلان شد که پنبه هر تنی به ۴۵ هزار ریال فروش برود فوراً معروف است که مستر لمب به اصفهان مسافرتی فرمودند و در مراجعت خودشان این طور صلاح دانستند و البته معلوم نیست از روی چه مصلحتی بود که عوض ۴۵ هزار ریال به ۳۵ هزار ریال پنبه فروش برود و در عوض نتیجه این شد که در اثر تنزل قیمتی که آقای لمب داده بود بکلی کشت پنبه هم تنزل کرد برای اینکه دولت هم بهیچوجه توجه نداشت. قسمت دیگری را که بنده خواستم تذکر بدهم این است که دولت حق العمل کار است نباید در کار مردم مداخله بکند و فعلاً این پولی که در حدود ۱۰ میلیون تومان در وزارت کشاورزی محفوظ است باید این پول برسد به صاحبان کالا و مساعده و تشویقاتی هم از آنها بشود و صاحبان کارخانجات راهم محدود بکنند. چنانچه

دولت بخواهد این انحصار پنبه را لغو بکند يك مشکلاتی در کار هست که آنها راهم بجای خود عرض خواهم کرد. از جمله مشکلات این است که کارخانهای پنبه پاك كنی و شر کتهای چین خراسان کلیه يك شر کت شده اند و این البته تولید زحمت خواهد کرد و باید متوجه این قسمت بود و برای پاك کردن پنبه این اشکال رفع شود. بهر حال در صورتی که پول بزارعین برسد و لوبعد از ۹ ماه چون هر چیزی جای شکرش باقی است که حالا که بعد از ۹ ماه رسیده است اگر نمیدادند چه میکردیم خلاصه اگر چنانچه نرسیده باشد استدعا میکنم که توجه بفرمائید پول بزارعین برسد و زارعین بیش از این دچار فقر و بیچارگی نشوند.

وزیر کشاورزی - بطوریکه آقایان ملاحظه فرمودند طرز سؤالها هم يك طرز خاصی است بطوریکه قبلاً یک ربع پیش تشریح شد آنطور نشد که بنده هم مختصر عرضی بکنم هر يك از آقایان طوری وارد امر شده اند که حالا بنده مجبورم بطور اختصار موضوع پنبه خراسان را عرض کنم. در موضوع پنبه خراسان چنانچه اطلاع دارید يك قراردادی با آقای درودی بسته شد آن قرارداد مورد تصدیق آقای رئیس کل دارائی واقع نگردید در عین اینکه آقای درودی در خراسان مشغول جمع آوری و حاضر برای تحویل بودند متأسفانه وزارت کشاورزی نمیتوانست بایشان پولی بدهد و در دسترس ایشان پولی بگذارد زیرا آقای رئیس کل دارائی طبق اختیاراتی که داشت نوشته بود که پول ندهند. بالاخره مذاکرات طولانی شد و جناب آقای نخست وزیر هم در چندین جلسه حضور داشتند در وزارت دارائی هم يك جلسه با حضور آقای وزیر دارائی مذاکرات زیاد شد بالاخره این قضیه در يك هفته پیش در وزارت کشاورزی در دفتر بنده تمام شد و قرارداد را کان لم یکن حساب کردند و فقط جمع آوری محصول سال پیش را وزارت دارائی قبول کرد و وجه آنرا هم امروز وزارت کشاورزی بالتام با آقای علی درودی پرداخت کرده و یقین دارم بزودی باشخاصی که مقروض هستند قرض خودشان را ادا خواهند کرد و ما فقط از ایشان تحویل پنبه

را که ایشان جمع آوری و عدل بندی کرده اند از ایشان تحویل خواهیم گرفت و امروز در حدود دو میلیون و هشتصد هزار تومان بحساب ایشان چک کشیده شده است این موضوع پنبه خراسان بود و يك نكته ديگر اينست كه تصديق بفرمائيد كه وزارتخانه ها در اين جور مواقع پولی دستشان بسته است و از خودشان اختيار ندارند و گناهی نخواهند داشت اما در موضوع مزایای انحصار پنبه که آیا خوب است برقرار باشد یا باید لغوش بکنیم این را خواستم عرض کنم که این هم مانند تمام سایر انحصارها است که اگر خوب عمل کنیم بشفعت دولت و دولت است ولی اگر بد عمل شود بضرر ملت و دولت است. موجباتی که این انحصار پنبه را برقرار کرد چند چیز بود یکی اینکه مخصوصاً خواستند جلوی واردات پنبه را بگیرند و یکی اینکه خواستند کشاورزان را تشویق کنند یعنی خواستند که بکارخانجات پنبه داخلی بدهند و یکی هم این بود که خواستند جنس پنبه ما که خوب نبود بهبودی ببخشند (اردلان - حالا بدتر ازین میرود) این نظریه ای بود که اقدام هم شد (اردلان - ولی نتیجه ای ندارد) نه خیر تا دو سال پیش بيك نتیجه كافي رسيدند باين معنی كه ما توانستيم یعنی دولت توانست در دو سال پیش در حدود ۳۲ هزار تن پنبه جمع آوری کند و از ۱۵ یا ۱۴ هزار تن بآنجا رسیده بود و تمام کشاورزان هم راضی بودند.

اردلان - احصائیه دارید بفرمائید.

وزیر کشاورزی - بلی الان خدمتتان عرض میکنم در سال ۱۸ و ۱۹ جمع آوری پنبه به ۳۳۱۷۶ تن رسیده بود و حال اینکه امسال متأسفانه از ۱۰۵۰۰ تن تجاوز نخواهد کرد و این سوء اداره را نسبت ندهید باصل قضیه. حالا چه جور پیش آمده است بنده نمیخواهم وارد اصل قضیه بشوم و آقایان خودتان اطلاع دارید و این را میدانید که اداره پنبه و وزارت کشاورزی خیلی در این قسمت مقصر نیست؛ اما راجع بباقی بودن یا لغو این انحصار مدتی است این موضوع در هیئت دولت مطرح است ولی متأسفانه بواسطه کارهای دیگری هم که داشتیم نتوانستیم يك تصمیم قطعی در این

موضوع اتخاذ کنیم. آقای رئیس کل دارائی که هفته پیش در دفتر بنده بودند يك تقاضائی داشتند که مانند سایر انحصارها این انحصار پنبه را بوزارت دارائی واگذار کنید. در این موضوع بنده هنوز موافقت نکردم برای اینکه شکایاتی که راجع بسایر انحصارات است در داخل و خارج میشنوم این است يك مطالعات بیشتری خواهم کرد در اینکه انحصار پنبه را لغو کنیم یا داشته باشیم در دست وزارت کشاورزی باشد یا بدهیم بوزارت دارائی این يك موضوعی است که بنده امروز نمیتوانم جواب را بطور قطع عرض کنم و موکول میشود به آتیبه نزدیک.

فرزند - آقا لغوش کنید راحت بشوید.

رئیس - آقای اردلان

اردلان - عرض کنم فرمایشاتی که ایشان فرمودند بیشتر مؤید همین قسمت بود که انحصار پنبه بضرر مملکت است. ما مشاهده کردیم که آن سال اول که پنبه را انحصار کردند و این تضيیقات نسبت بزارعین اجراء شد محصول پنبه ایران ۳۳ هزار تن بود ولی این همانطور که آقای وزیر فرمودند امروز ۱۰ هزار تن شده است یعنی بثلاث رسیده و این البته نتیجه انحصار است (یکی از نمایندگان - اول هم انحصار بوده است) ولی هنوز عایا مزه انحصار را نچشیده بودند آقای وزیر کشاورزی فرمودند که منظور دولت از انحصار پنبه جلوگیری از ورود پنبه خارجی بایران بوده است عجب جلوگیری شده است نتیجه معکوسی بخشیده است که با چشم خودمان دیده ایم که بانک ملی ایران میگوید که من اعتبار اسنادی باز کرده ام که پنبه را از خارجه وارد کنند (سیف پور - وارد شده است) بلی وارد شده است مسافت مصر تا اینجا ده برابر مسافت ما ز ندران است تا اصفهان ولی با وجود این محصول خارجه با محصول داخله ما رقابت میکند و این برای همین است که اینها این بلا را بسر مردم بیچاره آورده اند و آقای وزیر کشاورزی در ضمن مذاکرات خودشان (بطور استعاره) فرمودند که این گناه دیگری است ولی آقا بنده عرض میکنم که ما بغیر از دولت کسی را نمیشناسیم اگر بانک ملی هم اعتبار

باز کند باید اعتراض بکنید و باید بگوئید که اگر تو پول داری باید بدرودی بدهی و او هم بزراع و برزگر بدهد و تا امروز معطل نشوند که ۲۶۰۰۰۰۰ تومان پول بگیرند و این اعتبارات اسنادی را در داخله ایران باز بکنند نه اینکه در مصر بشا بر این بنده از آقایان نمایندگان استدعا میکنم حالا که قضیه روشن شد برای ما در جلسه آتیبه يك طرحی تهیه کنیم بقید دو فوریت و خودمان را از شر این انحصار راحت کنیم (صحیح است)

رئیس - آقای فرمانفرمائیان هم سئوالاتی از وزارت راه کرده اند.

جمعی از نمایندگان - دستور - دستور

رئیس - در دستور هم چیز مختصری است. آقای وزیر کشاورزی توضیحی دارند بفرمائید.

وزیر کشاورزی - توضیح بنده این است که اولاً این که عرض کردم پنبه به ۳۳ هزار تن رسید این سال چهارم انحصار بود که همه جور مساعدت میشد و در حدود سه میلیون و نیم تومان در سال بآنها پیش قسط داده میشد و از حیث بذر هم به آنها کمک میشد و الیافی که پنبه های ما امروز دارند با آن چیزی که قبل از انحصار داشتند متخصصین میتوانند تشخیص بدهند که کاملاً فرق کرده است و بنده مخصوصاً عرض میکنم که در موقع انحصار بود که ما مقداری پنبه به شوروی و آلمان و ژاپن صادر کردیم و این در نتیجه عمل انحصار بود که این موفقیت ها حاصل شده بود و این را باید عرض کنم که اگر از دو سال پیش از این که نسبت به پنبه متصدیان مستقیم یا غیر مستقیم عملی انجام نداده اند این گناه آنها نیست زیرا مشکلات را خود آقایان میدانند وقتی که پول در دسترس نبود ما نمیتوانستیم پول برسانیم بکشاورزان ولی راجع به تخم پنبه امسال در مازندران يك مقداری از این تخم پنبه ها فاسد شد برای اینکه وسیله حمل و نقل در دست نبود و ما نتوانستیم بموقع خود آن قرار دادی را که باید با وزارت پیشه و هنر برقرار کنیم و تخم پنبه را برای وغن کشی تسلیم کنیم و يك گرفتاری برای تعیین قیمت او

بود که از حدود اختیارات ما خارج بود لهذا مدتی طول کشید و در نتیجه آنچه که گزارش داده شد به بنده در حدود ۴۴ درصد تخم پنبه ها فاسد شده است ولی مطابق قراردادی که با کارخانجات چیت سازی بسته شد ۲۵ درصد این را کان لم یکن گرفتند. بالاخره ۱۱ درصد بضرر وزارت کشاورزی و بضرر تخم پنبه تمام شد که روغن آن کمتر خواهد بود. اما باید در نظر بگیرید عدم وجود وسایل حمل و نقل و نداشتن واگون و اتومبیل و لاستیک و تمام اینها (بعضی از نمایندگان - پس حمل از کرمان و بوشهر و سایر جاها بچه وسیله ای بود؟) ... توضیحاتیکه بنده عرض میکنم یکی عمل دولت است و یکی عمل تجار است که خصوصی است و وزارت کشاورزی نمیتواند در کارهای خصوصی آنها دخالت کند در هر صورت استفاده شخصی میکنند (اردلان - در باربری؟) در باربری هم يك عملیات شخصی ممکن است بکنند و منافع ببرند و انحصارها کلیه در صورت خوب عمل کردن به نفع دولت و کشاورزان خواهد بود.

[۵ - تصویب نمایندگی آقای حشمتی]

بعضی از نمایندگان - دستور - دستور

نقابت - اجازه بفرمائید يك طرحی است از کمیسیون دادگستری باید قرائت شود و دیگر راجع بطلاهای آستان قدس رضوی است.

رئیس - بله در دستور آنها داریم و همچنین راپرت شعبه هم راجع بانتهابات کمره و محلات است که قرائت میشود:

مجلس شورای ملی

انتخابات کمره و محلات نظر بسوء جریانی که در انتخابات انجمن اولیه بود مدتی دچار وقفه گردیده. در نتیجه شکایات متعدد اهالی آقایان اشتری و ملک الکلامی و سرهنگ آشوری بمجلس اعزام میشوند. آقایان نامبرده انجمن را غیر قانونی تشخیص داده و پس از انحلال آن انجمن دیگری انتخاب میشود و انجمن جدید در تاریخ ۲۳/۲/۱۷ شروع به توزیع تعرفه و اخذ رأی مینماید در نتیجه آقای حشمتی با کثرت ۹۹۱۸ از ۱۰۱۰۰ رأی حائز اکثریت میشوند شعبه ۳ با اتفاق آراء صحت انتخاب آقای حشمتی را تصویب و گزارش آنرا تقدیم میدارد.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیری
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود
 به نمایندگی آقای حشمتی آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۶ - شورا گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع به کتیبه های آستان قدس]

رئیس - گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع به کتیبه های آستان قدس قرائت میشود :

گزارش از کمیسیون قوانین دارائی بمجلس شورای ملی
 کمیسیون قوانین دارائی لایحه شماره ۶۳۱ دولت راجع
 باسترداد کتیبه های آستان قدس رضوی را با حضور آقای
 وزیر دارائی مطرح نموده باین ماده واحده پیشنهادی دولت
 موافقت حاصل شده اینک گزارش آن بعرض مجلس شورای
 ملی میرسد :

ماده واحده - مجلس شورای ملی بهیئت نظارت اندوخته
 اسکناس اجازه میدهد کتیبه های خط علیرضا عباسی متعلق
 باستان قدس رضوی را که جزء پشتوانه اسکناس منظور شده
 در قبال دریافت معادل آن طلا باستانه رضوی منتقل نماید .

رئیس - آقای مخبر فرهمند

مخبر فرهمند - اولاً موضوعی که مورد توجه بعضی آقایان
 هست و یک عده هم در وره موافق مخالف اجازه خواسته اند که
 مذاکراتی بکنند اگر آقایان اجازه میدهند که وارد مذاکره
 بشوم والا باشد برای جلسه دیگر (بعضی از نمایندگان بفرمائید)
 بنده باین لایحه که تقدیم مجلس شده است مخالفتی ندارم و کاملاً
 هم موافقم فقط مخالفت بنده در اصل عملی است که واقع شده
 اشخاصی که می آیند یک نذوراتی یا یک املاکی یا یک اشیائی را
 وقف میکنند باین نیت است که عین آن نذر یا وقف محفوظ
 بماند (صحیح است) والا اگر نیت این باشد که بنده یک شیئی
 طلائی یا یک قندیلی یا کتیبه را باین قیمت گزافی بیاورم
 و در یک مکان مقدسی نصب کنم بعد بیایند آن را تبدیل
 به پشتوانه یا خریدند ملک بکنند این جایز نیست و برخلاف
 نیت واقف و قانون است (صحیح است) حالا خوشبختانه
 یک قسمتی از آن چه را از آستانه آورده اند و تحویل

بانک داده اند و گویا مقدار آن طلا کتیبه پنجاه و چند من بوده است -
 آن قسمت کتیبه را هیئت نظارت محفوظ داشته است از
 نقطه نظر حفظ آثار صنعتی آن در هر صورت آن قسمت
 محفوظ مانده است و همانطور که آقای فیروز آبادی در
 دو جلسه قبل اظهار فرمودند و همچنین آقای نراقی هم
 اظهار فرمودند بعد از اینکه اعلیحضرت همایونی تشریف
 بردند باینکه این قسمت را بنظرشان رساندند تا کید فرموده اند
 که اعاده شود به محل خودش و نصب شود و قیمت آن را
 هم خودشان مرحمت فرمایند یا شخصاً میپردازند یا از باب
 حق التولیه در هر حال ایشان قبول فرموده اند که این
 قیمت را باینکه مرحمت فرمایند و این کتیبه ها را بگیرند
 و در جای خودش نصب کنند ولی چیزی که هست بقیه این
 طلاها را آنطوری که بنده شنیده ام قرار بوده است که بعد از
 اینکه آن ضریح و صندوق را بهم زدند قرار شد یک ضریح
 شیر و شکری یعنی از طلا و نقره تهیه و نصب شود مقدار نقره
 که در خود آستانه موجود است و طلاهای هم همان
 است که این جا بصورت شمش در آورده اند . حالا
 البته بانک که اینها را کسرفته است پول داده است
 و بایستی پولش را بگردد و آن مقدار طلا را
 تحویل آستانه بدهد . بنده عقیده ام این است و شاید همه
 انتظار دارند که اعلیحضرت همایونی از نقطه نظر این که
 تولیت آستانه قدس با شخص پادشاه است ایشان بقیه طلا
 آلانی که گرفته شده است و تحویل بانک شده است آنها را
 هم از جیت قنوت خودشان یا از حق التولیه آنها را هم
 خریداری و به آستانه تحویل نمایند که همان نظر اجراء
 شود . البته تصدیق میفرمائید که این نذوراتی که به مشاهده
 مقدسه داده میشود مخصوصاً حضرت رضا متعلق به ایرانی
 و ایران تنها نیست از همه جا و از تمام ممالک اسلامی
 می آورند و آن جا تقدیم می کنند به این نیت که
 در آنجا محفوظ بماند و با اعتماد این می آورند که آنجا حفظ
 بشود . اگر ما یک احصائیه در نظر بگیریم از چند سال قبل
 باینطرف که این عمل شده است و نسبت بسالهای قبل احصاء

کنیم خواهیم دید که این عمل از نقطه نظر اینکه خلاف
 نیت واقف بوده است صدی شصت یا صدی هفتاد تنزل کرده
 است یعنی دیگر مردم اعتماد نمیکنند . بهر حال یک موضوع
 دیگری را که بنده خواستم عرض کنم این است که وزارت
 فرهنگ که اوقاف هم جزء او است و در قانون هم که بنده
 مراجعه کردم حتی نظارت در مشاهد مقدسه را هم دارد
 متأسفانه ایشان حضور ندارند بنده میخواهم سؤال کنم ببینم
 آیا بودجه و درآمد و هزینه آستانه و نقل و انتقالاتی که شده
 و خرید و فروشهایی که بعمل آمده است آیا وزارت فرهنگ
 اطلاعی دارد یا نه ؟

بعضی از نمایندگان - خیر وزارت فرهنگ حق دخالت

در موقوفاتی که تولیت آن با سلطان عصر است ندارد .

مخبر فرهمند - ... اجازه بفرمائید بنده که منکر
 تولیت نشدم بنده عرض میکنم در قانون مراجعه کردم حق
 نظارت دارد (بعضی از نمایندگان - ندارد) خوب اگر هم
 ندارد باید داشته باشد . بنده میخواهم سؤالی بکنم از کی
 سؤال بکنم که آقا شما این عملی را که کرده اید وزیر مسئول
 کیست و اگر ندارد باید داشته باشد بودجه آنجا هر سال
 بطور رساله منتشر شود و تمام اشخاصی که ذی نفع و علاقه مند
 هستند بدانند حتی مسلمین دنیا که ذی علاقه هستند اطلاع
 پیدا کنند بنده نظرم این بود که این قسمت بایستی محرز و
 مسلم باشد که یک نظارت بیشتری در عمل آستانه
 بشود و مردم باید آگاه بشوند و اگر میفرمائید وزارت
 فرهنگ حق ندارد و مجلس هم حق ندارد بنده هم عرضی ندارم
رئیس - آقای نقابت پیشنهاد میکنید لایحه بجلسه
 دیگر موکول شود . این را هم عرض میکنم برای اینکه
 در جلسه آتی تسریع شود بکار این لایحه آقای نراقی که
 سمت نمایندگی بانک ملی را دارند فرمودند که روز یکشنبه
 که اعلیحضرت تشریف آوردند به بانک فرمودند که معادل
 طلای کتیبه ها طلا بخرند و بعد این کتیبه ها را تعمیر کنند

و آن کتیبه ها را یکی دو هفته بگذارند در نظر اشخاصی
 که میخواهند این کتیبه ها را ملاحظه کنند اگر اینطور
 باشد ممکن است البته در نظریات آقایان موافق و مخالف
 یک تغییری حاصل میشود و در جلسه آتی زودتر تصویب
 شود .

بهبهانی - یک خبری از کمیسیون دادگستری رسیده
 است آنرا بخوانید .

رئیس - اجازه بفرمائید این قسمت تکلیفش معلوم شود
 (مخالفی نیست) پس میماند برای جلسه بعد .

[۷ - قرائت گزارش کمیسیون دادگستری]

راجع بطرح پیشنهادی اصلاح پاره از قوانین

حالا آن راپرت کمیسیون دادگستری خوانده میشود
 چیزی نیست تقاضای کمیسیون است مطابق نظامنامه فقط
 باید باستحضار برسد .

ریاست محترم مجلس شورای ملی

نظر بماده ۲۳ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی نسبت
 بگزارش کمیسیون مبتکرات راجع بطرحی که جمعی از
 نمایندگان دوره سیزدهم قانونگذاری بتاريخ مهرماه ۳۲۱
 برای اصلاح بعضی قوانین تقدیم کرده بودند و در کمیسیون
 دادگستری سابق مطرح و بعضی مواد آن تصویب شده و
 بقیه در کمیسیون مانده است کمیسیون دادگستری فعلی
 تقاضا دارد گزارش طرح مزبور را بکمیسیون دادگستری
 ارجاع نمایند .

[۸ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح
 است) جلسه آینه روز یکشنبه ۲۱ خرداد سه ساعت قبل
 از ظهر دستور هم گزارشی که امروز خوانده شد راجع
 بطلا و گزارش های دیگر راجع بنظام و غیره اگر
 چاپ شود .

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سپید محمد صادق طباطبائی